

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

الگوهای مصرف ، مباحث نظری و کاربردی

نویسنده: حسن بستاندوست نیک

استاد راهنما: مسعود درخشان

استاد مشاور: احمد فرجی دانا، حمید ناظمان

سال تحصیلی: خرداد 1371

توصیفگر: 264 ص. : جدول ، نمودار. شماره بازیابی 117 الف.

واژگان کلیدی: الگوهای مصرف / مصرف / نظریه های اقتصادی

چکیده:

هدف از این پژوهش، بررسی الگوهای مصرف از جنبه های نظری و کاربردی است . تحقیق حاضر که به روش کتابخانه ای انجام یافته ، در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول به شکل گیری تابع مصرف از دیدگاه کینز و تحقیقات تجربی مبتنی بر آن و نیز ورود متغیر روند زمان می پردازد . فصل دوم فرضیه درآمد نسبی و فرضیه های شامل در آن دو مصرف تأخیردار را مورد بررسی قرار می دهد . فرضیه های چرخه زندگی و درآمد دائمی موضوع فصل سوم و فرضیه ثروت و دارایی نقدی موضوع فصل چهارم می باشد . نهایتاً در فصل پنجم برخی دیگر از فرضیه های مصرف مورد بررسی قرار می گیرد.

بر اساس نتایج تحقیق و با توجه به پشتیبانی تحقیقات بودجه خانواده از تابع مصرف کینز ،
انتقاد به وی بیشتر ناشی از تحقیقات سریهای زمانی کوتاه مدت و بلند مدت و در نتیجه مشاهده دو
عامل زیر می باشد :

(1) ناسازگاری نتایج حاصل از دو مجموعه داده های کوتاه و بلند مدت .

(2) تفاوت غیر قابل توجیه پیش بینی مصرف با استفاده از داده های کوتاه

مدت با مصرف تحقق یافته پس از جنگ .

به هر رو وجود دیدگاه کینز و تابع مصرفش ، از یکطرف به سبب جایگاهش در نظریه عمومی
وی و از طرف دیگر به سبب طرح مفهومی تحت عنوان تابع مصرف که بعدها توسعه و تکامل بسیار
یافت ، در خور تحسین بوده و از اهمیت غیر قابل انکاری برخوردار است . همچنین با توجه به فرضیه
درآمد نسبی باید به این نکته اشاره نمود که اگر چه فرضیه در آمد نسبی پس از طرح فرضیه های
ثروت گرا اهمیت اولیه خود را از دست داد ، جدای از کاربردهای این فرضیه و تابعش که خود به آنها
جایگاهی دائمی در میان فرضیه های مصرف و توابعشان می دهد ، ظهور این فرضیه به عنوان فرضیه
ای متفاوت از فرضیه درآمد مطلق سرآغازی بر شکل گیری فرضیه های متفاوت بعدی شمرده شده و به
آن اهمیت می بخشد. در بخش بعدی با توجه به بررسی فرضیه های چرخه زندگی و درآمد دائمی این
نتیجه حاصل می شود که این دو فرضیه توانستند ناسازگاری بین سه مجموعه داده های موجود یعنی
داده های مقطعی و داده های سریهای زمانی کوتاه مدت و بلند مدت را تحت قالبی واحد توجیه
نمایند . اگر چه یک فرض اساسی در هر کدام از فرضیه ها مورد سوالهای جدی قرار گرفته اند.

در بخش بعدی با توجه به بررسی فرضیه های چرخه زندگی و درآمد دائمی این نتیجه حاصل می
شود که این دو فرضیه توانستند ناسازگاری بین سه مجموعه داده های موجود ، یعنی داده های مقطعی
و داده های سریهای زمانی کوتاه مدت و بلند مدت را تحت قالبی واحد توجیه نمایند. اگر چه یک
فرض اساسی در هر کدام از فرضیه ها مورد سوالهای جدی قرار گرفته و با استفاده از برخی آزمونها رد

شده است . اما نمی توان این ایرادها را بعنوان نفی دو فرضیه اساسی برشمرد و این دو فرضیه تا به امروز نقشی اساسی در توصیف تابع مصرف داشته اند. د رادامه با بررسی فرضیه ثروت این نتیجه حاصل می شود که اساسی ترین مشکل در بررسی فرضیه ثروت و توابع آن در اختیار نداشتن داده های مربوط به ثروت است . چنین مشکلی از یکطرف و این نظر که دارائیهای نقدی در توابع مصرف استفاده گردد گرچه تخمین ضرایب این متغیر قابل توجه بوده است ، ولی مبنای نظری آن مورد تردیدهای اساسی قرار گرفته است و به همین جهت در بسیاری از الگوها از آن بطور مستقل یا به جای ثروت استفاده نمی گردد. درنهایت با بررسی فرضیه های دیگر از جمله فرضیه کالدور، می توان این اشکال اساسی را در مورد این فرضیه بر شمرد که تقسیم جامعه به گروههای در آمدی ، چندان عملی و فراتر از آن چندان موجه به نظر نمی رسد . به هر حال اگرچه این فرضیه و فرضیه های دیگر بررسی شده ابزارهای خوبی برای سیاستگزاریها هستند ولی با توجه به آزمونهای بعمل آمده نباید برای آنها اهمیتی بیش از حد قایل شد.